■ سال بیست‌وپنجم ■ شماره ۷۱۸۰ ■ یکشنبه ■ ۲۱ مهر ۱۳۹۸

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم – همشهری
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
www.iran-newspaper.com

اذان ظهر ۱۱/۵۱ | اذان مغرب ۱۷/۵۰ | نیمه شب شرعی ۲۳/۰۹ | اذان صبح فردا ۴/۴۶ | طلوع آفتاب فردا ۶/۱۰

سخن روز

امام علی علیه‌السلام:
گشاده‌رویی و دوستی‌ات را برای عموم مردم و عدالت و انصافت را برای دشمنت بکار گیر.
خصال ص ۱۴۷، ح ۱۷۸

رابرت دنیرو: ترامپ یک گانگستر است

مایک مشکل واقعی و فوری داریم و آن هم داشتن یک رئیس‌جمهور گانگستر است که فکر می‌کند هر کاری که بخواهد می‌تواند انجام دهد. البته گانگسترها شرف دارند، با شما دست می‌دهند از شما قول می‌گیرند و به شما قول می‌دهند. اما این آدم چنین چیزی ندارد.

بخشی از صحبت‌های دنیرو در حاشیه نمایش «مرد ایرلندی»

صالحی: حافظ مردمی‌ترین شاعر ایرانی است

بخشی از ماندگاری حافظ به دلیل آن است که جامعه ایرانی احساس نمی‌کند با حافظ شعر می‌خواند؛ بلکه احساس می‌کند با حافظ شعر می‌سراید. چون در تولید معنای فرآوری شده آن مشارکت دارد و آنجاست که حافظ در روح شاعرانه ایرانی جریان پیدا می‌کند.

در صفحه ۶ بخوانید

لئون: تو به زمان نیازداری تا یک کمی بزرگ بشی.
ماتیلدا: من دیگه بزرگ شدنم تموم شده لئون! از الآن به بعد فقط سنم زیاد می‌شه.
لئون: برای من برعکسه، من سنم به اندازه کافی زیاده، زمانی برای بزرگ شدن می‌خوام!

لئون (حرفه‌ای)، فیلمنامه‌نویس و کارگردان «لوک بسون»

نـــگاره
منصوره دهقانی

در آمد روزانه ۵۰ تا ۸۰ هزار تومانی زباله گردها

آغاز به کار نخستین دوسالانه صادق آیینه‌وند

انجمن ایرانی تاریخ، کتابخانه دکتر صادق آیینه‌وند و گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس قصد دارد به منظور پاسداشت خدمات این استاد فقید دوسالانه دکتر صادق آیینه‌وند را با موضوع رساله‌های دوره دکتری تاریخ برگزار کند.

رویداد روز

عباس برومند اعلم
دبیر علمی جایزه

مرحوم صادق آیینه‌وند مؤسس تاریخ اسلام در ایران هستند و تا قبل از زحمات ایشان رشته تاریخ داشتیم اما این رشته، تمرکزش بیشتر روی بحث تاریخ ایران بود اما این چهره ماندگار، مؤسس دوره تحصیلات تکمیلی تاریخ در ایران هستند و علاوه بر آن به‌نوعی پیشگام تاریخ تشیع و بردن تاریخ به فضای حوزوی؛ پس بحق باید به ایشان پدر تاریخ اسلامی گفته شود. در کلیت رشته تاریخ هم بعد از انقلاب، به‌عنوان یکی از استوانه‌های اصلی رشته تاریخ محسوب می‌شوند چه در بحث طراحی سرفصل‌ها و چه در بحث طراحی رشته‌ها و تأسیس انجمن‌های تخصصی و گروه‌های تاریخ، در تربیت اساتید تاریخ و مجله‌ها و ژورنال‌های تاریخ و در جا انداختن عنوان گروه تاریخ در سیستم برنامه‌ریزی وزارت علوم نقش بسیار مؤثری داشتند و در چهل سال اخیر هیچ کار مهم و جدی در علوم تاریخی چه به لحاظ نهادی و دانشگاهی و حوزوی نمی‌توانید پیدا کنید که رد پایی از مرحوم آیینه‌وند نباشد.

ایده اولیه این کار از طرف خانواده مرحوم آیینه‌وند به‌خصوص همسر ایشان مطرح شد و در ادامه توصیه برخی از اساتید و دوستان و همکاران آن مرحوم هم کار را به آنجا رساند که در نهایت با رایزنی‌ها، بررسی‌ها و مشورت‌های لازم به این نتیجه رسیدند که بهترین راه و جایی که بتوانند جایزه را در آن بستر طرح، تکمیل و تصویب کنند «انجمن ایرانی تاریخ» است. انجمن‌های علمی رشته‌های مختلف از نظر وزارت علوم بالاترین مراجع علمی هستند که می‌توانند چنین فعالیت‌های علمی را حمایت کنند. انجمن تاریخ هم از این قاعده مستثنی نیست و اعضای هیأت‌مدیره‌اش هم منتخب خود اهل تاریخ هستند. در نهایت طرح دوسالانه دکتر صادق آیینه‌وند در هیأت علمی این انجمن مطرح و سپس تأیید و تصویب شد و به‌برنامه‌ای که برای نخستین بار آن را برگزار خواهیم کرد تبدیل شد. حوزه تخصصی مرحوم آیینه‌وند تاریخ بود و طبیعی هم هست که هدف‌گذاری این دوسالانه هم در همین زمینه خواهد بود و با توجه به مشورت‌های انجام شده احساس شد که بهتر است نخستین دوره را به پژوهشگران جوان اختصاص بدهیم و بیشتر به سمت حمایت از این پژوهشگران برویم تا کارها و چهره‌های فاخر. پس بنابر این شد که تمرکز روی بهترین رساله‌های دکترای حوزه تاریخ باشد. از نظر ساختاری هم یک شورای علمی تشکیل شد از برجسته‌ترین اساتید تاریخ دانشگاه‌های سراسر کشور که در این حوزه مشروعیت دارند و اهل تاریخ آنها را تأیید می‌کنند و این اساتید بررسی آثار رسیده را به‌عهده خواهند داشت. آیین‌نامه‌ای هم نهایی شده که در این آیین‌نامه مراحل و نحوه داوری روشن شده تا ضریب اعتماد به آثار رسیده بالاتر برود.

در کنار کمیته اجرایی، پیگیری‌های اجرایی هم وجود دارد که آن هم فعال است. میزبانی این دوسالانه و دبیرخانه هم در دانشگاه تربیت مدرس مستقر شده که سال‌ها خانه آقای دکتر محسوب می‌شده و خانواده کتابخانه استاد را وقف دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس کرده‌اند و همین کتابخانه در حال حاضر دبیرخانه این دوسالانه شده است که کارهای مربوط به همایش آنجا انجام می‌شود و البته گروه تاریخ این دانشگاه هم پشتیبان دوسالانه است.

در حاشیه بازگشایی آرامگاه حکیم ادبیات ایران در ۲۰ مهر سال ۱۳۱۳

کاخ بلندِ فردوسی

اتفاق روز

حسن مجیدی
مسئول صفحه تاریخ

به روایت کتاب چهار مقاله «نظامی عروضی سمرقندی»، با مرگ حکیم ابوالقاسم فردوسی در سال ۴۱۱ هجری قمری، متعصبان طوس به دلیل پیروی او از مذهب تشیع از دفنش در گورستان شهر جلوگیری و پیکرش به شهر تابران (طابران) طوس بازگردانده و در باغچه‌ای به خاک سپرده شد. سال‌ها بعد میرزا عبدالوهاب‌خان شیرازی نصیرالدوله حاکم خراسان، در ۱۳۰۲ هجری قمری، مدفن پنهان فردوسی را یافت و بنایی بر آن ساخت. اما گذشت زمان بار دیگر محل بنا را زیر خاک برد. در سال‌های پایانی حکومت قاجاریه، گروهی از رجال فرهنگی و سیاسی جهت ارج نهادن بر مفاخر و حفظ واحیای بناهای تاریخی در اواخر سال ۱۳۰۱ هجری شمسی، جمعیتی به نام «انجمن آثار ملی» به ریاست «محمدعلی فروغی» و معاونت «سید حسن تقی‌زاده» تشکیل دادند. از نخستین اقدامات این انجمن ساخت بنایی برای حماسه‌سرای ایرانی بود.

ارباب کی‌خسرو شاهرخ نماینده زرتشتیان در مجلس، اردیبهشت سال ۱۳۰۵ از سوی انجمن آثار ملی برای تعیین مکان دقیق مدفن فردوسی رهسپار طوس شد. او با مراجعه به اسناد تاریخی، باغی را به مساحت بیست‌وسه هزار مترمربع که متعلق به «میرزا محمدعلی قائم مقام التولیه» بود، یافت. با جست‌وجوی باغ در نهایت تختگاهی به طول ۶ و عرض ۵ متر پیدا و بدین ترتیب محل خاکسپاری فردوسی مشخص شد. مالک، باغ را برای ساخت آرامگاه به «رضاشاه» داد و او نیز آن را به انجمن آثار ملی بخشید. یک سال بعد در ۲۹ تیر ۱۳۰۶ مجلس شورای ملی به اداره مباشرت مجلس اجازه می‌دهد که از صرفه‌جویی‌های سال ۱۳۰۶ مجلس شورا مبلغ بیست هزار تومان برای ساخت مقبره فردوسی اختصاص دهد تا علاوه بر وجوه اعانه که توسط انجمن آثار ملی برای همین منظور جمع‌آوری شده است با نظارت اداره مباشرت مجلس صرف شود. آندره گدار معمار و باستان‌شناس فرانسوی نقشه بنا را تهیه کرد. با مخالفت محمدعلی فروغی به سقف هرمی بنا، آنچه ساخته شده تخریب و مهندس «کریم طاهرزاده بهزاد» نقشه خود را بر اساس سبک دوران هخامنشی به انجمن ارائه کرد که در ۲۸ مهر ۱۳۱۲ به تصویب رسید. معماری و ساخت ساختمان به حسین لرزاده معمار برجسته آن روزگار واگذار شد. سرانجام بنای آرامگاه در مساحت ۹۴۵ متر و همزمان با جشن «هزاره فردوسی» در سال ۱۳۱۳ پایان یافت و روز جمعه ۲۰ مهرماه سال ۱۳۱۳ با سخنرانی رضاشاه، در طوس خراسان گشایش یافت. پس از سه دهه، در سال ۱۳۴۳ انجمن آثار ملی، با نشست تدریجی بنای آرامگاه به‌دلیل عدم محاسبه دقیق وضعیت آب‌های زیرزمینی ناحیه طوس و نا آشنایی سازندگان به فنون بررسی جنس خاک و استفاده از مصالح نامناسب، دستور تخریب و بازسازی آن را صادر کرد. کار ساخت بنای جدید با الهام از آرامگاه کوروش و معماری دوره هخامنشی و عناصر تزیینی عصر فردوسی در قرن چهارم هجری قمری، در ۹۰۰ متر مربع زیربنا در سال ۱۳۴۳ توسط مهندس «هوشنگ سیحون» آغاز و پس از چهار سال در سال ۱۳۴۷ به‌پایان رسید و کاخ بلندِ فردوسی همچنان پابرجاست.

اجرای آیین‌نامه رده‌بندی سنی فیلم‌ها با حکم دادستانی متوقف شد

اعلام عجیب یک خبر عجیب

گزارش

یگانه خدامی
خبرنگار

برنامه «هفت» این بار نه با نقدهای منتقدانش بلکه با اعلام یک خبر بحث‌برانگیز شد. جمعه شب سعید الهی که به عنوان کارشناس فرهنگ و رسانه همراه سعید مستغاثی، منتقد سینما، وضعیت محتوای آثار سینمایی و مدیریت رده‌بندی سنی فیلم‌ها را بررسی و آسیب‌شناسی می‌کرد، از ابطال دستورالعمل رده‌بندی سنی فیلم‌ها خبر داد و گفت: «من امروز شنیدم متأسفانه دستورالعمل رده‌بندی سنی رأی ابطال موقت از سوی دیوان عدالت اداری کشور دریافت کرده است. در آیین‌نامه رده‌بندی سنی مجازاتی که برای سینماداران در نظر گرفته شده، قابل اجرا نبوده و محتوای آن هم جای بحث داشت»؛ خبری که هم خودش عجیب بود هم نحوه اعلامش. مسعود نجفی مدیر روابط عمومی سازمان سینمایی دیروز در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر این خبر را تأیید کرد و گفت: «دادستانی کل کشور درخواست ابطال دستورالعمل رده‌بندی سنی فیلم‌های سینمایی را به دیوان عدالت اداری داده است و دیوان هم دستور توقف اجرای آن را صادر کرده است». اما چرا دادستان کل کشور چنین حکمی صادر کرده است؟ نجفی در گفت‌وگو با «ایران» ماجرا را این‌طور توضیح می‌دهد: «دهم اردیبهشت ماه دستورالعملی برای این موضوع منتشر کردیم که دادستانی درخواست ابطال آن را داده است. اما مسأله اینجاست که رده‌بندی سنی یک فرآیند قانونی نیست که جلوی آن به صورت قانون گرفته شود. این دستورالعمل توصیه‌ای از سوی شورایی با حضور افراد مختلف شامل مشاوران، روانشناسان، منتقدان و... به خانواده‌هاست و اعمال محدودیت محسوب نمی‌شود» نجفی از آنچه در مقدمه دستورالعمل نظام درجه‌بندی سنی فیلم‌های سینمایی آمده است برای توضیح این مسأله استفاده می‌کند. در این مقدمه آمده «نظام رده‌بندی سنی فیلم‌ها، معیار مناسبی برای خوب یا بد بودن محتوای آثار نبوده و صرفاً هدایتگر مخاطبان در تشخیص مطابقت آثار با موازین تربیتی و روحی روانی است و به همین منظور تبیین و ابلاغ می‌شود». نجفی درباره دلیل مخالفت دادستان کل کشور با این دستورالعمل می‌گوید: «احتمال می‌دهم دادستانی از دستورالعمل چنین برداشت کرده که اعمال قانونی انجام می‌گیرد و به همین دلیل درخواست ابطال آن را داده است. البته شهریورماه پیش‌نویس جدیدی منتشر شد که هنوز نهایی و ابلاغ نشده و مبنای عمل سازمان سینمایی هم همان است».

نحوه اعلام خبر و اینکه یکی از کارشناسان برنامه «هفت» خبر را اعلام کرد و به صورت رسمی منتشر نشد مسأله‌ای است که برای خیلی‌ها ابهام‌برانگیز بوده است. نجفی هم از این مسأله تعجب کرده و معتقد است سعید الهی باید بگوید چطور زودتر از سازمان سینمایی از این خبر اطلاع داشته و به این شکل هم آن را اعلام کرده است.

ابراهیم داروغه‌زاده دبیر جشنواره فیلم فجر هم بلافاصله بعد از اعلام خبر در برنامه «هفت» در توئیترش و با نوشتن توییتی همین سؤال را تقریباً مطرح کرد. او نوشت: «کارشناس برنامه هفت روی آنتن برنامه زنده خبر می‌دهد که دیوان عدالت اداری با شکایت دادستان کل کشور حکم به توقف انجام رده‌بندی سنی فیلم‌های سینمایی داده است! پ ن: کارشناس از کجا خبردار شده است؟ آیا افرادی آدرس‌های غلط به آقای دادستان داده‌اند؟»

اما محسن قائمی‌نسب مدیر کل حوزه ریاست دیوان عدالت اداری در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر درباره این حکم اینطور توضیح داده است: «با شکایت و درخواست ابطال دستورالعمل نظام درجه‌بندی گروه‌های سنی فیلم‌های سینمایی، این شکایت طبق قانون در صلاحیت هیأت عمومی دیوان مطرح شده بود و برای طی تشریفات قانونی به هیأت عمومی ارجاع شد اما با توجه به اینکه همزمان تقاضای دستور توقف اجرای دستورالعمل هم مطرح شده بود، پرونده برای تعیین تکلیف تقاضای دستور موقت به یکی از شعب دیوان ارجاع شد. قاضی شعبه با مطالعه و بررسی پرونده دستور موقت در این پرونده صادر کرده است و در حال حاضر این دستورالعمل غیرعملیاتی است.» به گفته او پرونده برای بررسی نهایی از شعبه به هیأت عمومی ارسال شده و در حال تبادل لایحه و طی تشریفات قانونی است و پس از طی مراحل قانونی رأی نهایی صادر خواهد شد اما طبق دستور موقت صادر شده توسط قاضی پخش فیلم‌های ساخته شده بر اساس این دستورالعمل متوقف می‌شود)!

واقعیت این است که نظام رده‌بندی سنی فیلم‌ها منتقدانی داشت. کسانی که مثل سعید مستغاثی که در همان برنامه «هفت» جمعه شب اعلام کرد: «من کاملاً با این رده‌بندی سنی مخالف هستم. ما بعضی چیزها را فراموش کردیم؛ به نظرم یادمان رفته که چه سینمایی داشتیم قبل از انقلاب. در سال ۲۰۱۸، ۴۵ مورد تصویر آثار جنسی کودکان در گوگل پیدا شد. این‌ها همه نتیجه رده‌بندی سنی است. ما باید بر اساس فرهنگ خودمان کار کنیم.»

هنر خوشنویسی به همدلی بیشتری نیاز دارد

همزمان با هفته خوشنویسی (۲۱ تا ۲۸ مهرماه) برنامه‌ها و نشست‌های مختلفی برگزار می‌شود؛ برنامه‌هایی که قرار است مخاطبان خود را با جاذبه‌ها و ویژگی‌های این هنر آشنا کنند.

چالش روز

اسرافیل شیرچی
خوشنویس

قدمت هنر خوشنویسی به سال‌های بسیار دور می‌رسد و پیش از اسلام خطوط مختلفی از جمله میخی و پهلوی و اوستایی در ایران رواج داشتند.

در واقع خط در فرهنگ و تمدن ایران نقش بسزایی دارد. ویژگی‌های خوبی در این هنر وجود دارد که برخاسته از حس سرشار زیبایی‌شناختی است؛ حسی که در وجود آن نهادینه شده است. خط مراحل خرد و معانی، جد و جهد و عمر بسیاری را پیموده تا با قابلیت معانی و خردی و زیبایی بی‌حد در دل و جان مردم این سرزمین خانه‌ای امن داشته باشد. هنر خوشنویسی راوی پیام‌های عارفانه و آگاهی‌دهنده به مردم است و همین امر سبب شده مردم در احوالات مختلف طرفدار هنر خوشنویسی باشند.

خط و نقاشیخط‌های ایرانی ما را به اندیشه‌های ژرف نیاکانی و زیبایی بی‌حد مشرق زمینی و پرواز رنگ‌ها و اندیشه‌های پرسخاوت باغ اعجاز زندگی رهنمون می‌کند. چند سالی است که پنجره‌های هنر خوشنویسی گسترده‌تر شده است. خط‌های مختلفی چون نستعلیق، نسخ، ثلث، کوفی و حتی خط‌های نوین و نقاشیخط‌ها، پنجره‌های زیبایی هستند که مردم به تجلی بازکرده‌اند تا از این هنر اصیل نیاکانی بهره‌مند شوند. در سراسر جهان هیچ الفبایی بسان الفبای فارسی بار زیبا شناختی، موسیقی و گرافیک ندارد. هنرمندان سختکوش از دوران کهن تاکنون در پی تکمیل و پویایی و تعالی و تغزل حروف و کالبد معنایی آن بوده‌اند و آثار زیبایی خلق شد که باعث افتخار فرهنگ و هنر است. خط با تاریخ پرفراز و نشیب ایران پرگهر گره خورده است و همیشه الفتی دیرین و رنگینی با افکار اندیشمندان و شاعران این مرز و بوم داشته است.

هنر خوشنویسی دوران پرشتابی را پشت سر گذاشته است؛ بنابراین نامگذاری هفته‌ای با عنوان هنر خوشنویسی بی‌شک می‌تواند در تعالی، رشد و جا انداختن این هنر فاخر نیاکانی مفید باشد. به اعتقاد من، این هنر اصیل در بین جوانان و نوجوانان نوخیز و نوجو غریب و دور نبوده و آنچه که امروز شاهد آن هستیم نقوشی برگرفته از هنر خوشنویسی است که روی لباس‌های جوانان نقش بسته و این خود پنجره‌ای است از باور این نسل نو؛ نسلی که به تکنولوژی معاصر وابسته و پیوسته است، اما میراث کهن و اصیل خود را فراموش نکرده است.

هفته خوشنویسی می‌تواند هفته مبارکی باشد برای شناساندن ریشه معنوی نیاکان و این نسل نوخیز.

اما ابرهای منیت و دودستگی‌های موجود در آسمان خوشنویسی موجب شده این هنر زیبا در جامعه ما کم رنگ‌تر ظاهر شود. ما باید از همدلی در بین هنرمندان و دیدن هنر دیگران استقبال کنیم تا این هنر فاخر، با ارزش و ریشه‌دار در دل و جان مردم و نسل نو بیشتر حضور داشته باشد. من به‌عنوان فردی که یک عمر در آموختن این هنر تلاش کرده‌ام، احساس همدلی بین هنرمندان را یک دغدغه می‌دانم و براین عقیده استوارم که باید در بین هنرمندان پیشتاز و هنرمندانی که در بخش سنتی و مدرن قوت دارند همدلی بیشتری ایجاد شود و هنرهای همدیگر را باور داشته باشند. همدلی و همراهی در بین هنرمندان نباید کمرنگ شود چرا که این آفت بزرگی برای هنر معاصر است و می‌تواند در بین مردم و طرفداران این هنر با ارزش و اصیل جدایی ایجاد کند.

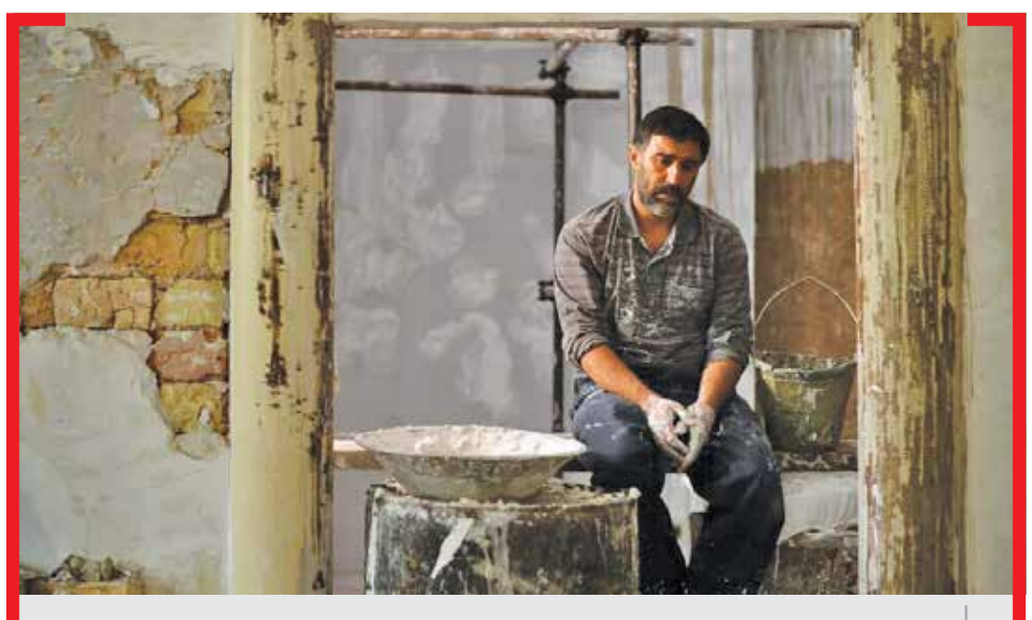

عکس نوشت

محسن تنابنده از چهره‌های پرکار سینمای ایران در ماه‌های گذشته بوده و اکران فیلم‌های «قسم» و «شکستن هم‌زمان ۲۰ استخوان» که تنابنده در اولی کارگردان بود و در دومی بازیگر، نام او را بیشتر از گذشته بر سر زبان‌ها انداخت. تنابنده که در هفته‌های گذشته مشغول بازی در جدیدترین فیلم سامان سالور هم بوده دیروز با انتشار عکسی از جدیدترین فیلمش دوباره خبرساز شد. فیلمی با عنوان «عنکبوت» که این بازیگر در آن نقش قاتلی را بازی می‌کند که می‌خواهد ریشه فساد را در جامعه بخشکاند. فیلمنامه «عنکبوت» را اکتای براهنی نوشته و کارگردان آن ابراهیم ایرج‌زاد است. ایرج‌زاد پیش از این فیلم «تابستان داغ» را کارگردانی کرده است و در فیلم جدیدش علاوه بر محسن تنابنده، ساره بیات، ماهور الوند، شیرین یزدان‌بخش، فرید سجادی حسینی و علی باقری به ایفای نقش خواهند پرداخت.

شهروند مجازی

یگانه خدامی

هشتگ
#کیهان

تیتر دیروز روزنامه کیهان و مقایسه‌اش بین زنانی که پنجشنبه به ورزشگاه آزادی رفتند و زنانی که راهی پیاده روی اربعین شده‌اند واکنش‌های زیادی همراه داشت که بیشترشان هم منفی بود و علیه این روزنامه. تیتر کیهان این بود: «راهیان آزادگی، قربانیان آزادی». حتی بسیاری از چهره‌های اصولگرا این تیتر را نقد کردند و آن را مصداق دو قطبی کردن جامعه دانستند. زنان و دخترانی که روز پنجشنبه به استادیوم رفته بودند و علایق مذهبی هم دارند درباره خودشان می‌نوشتند و حتی خیلی‌ها می‌گفتند راهی کربلا هستند. البته کسانی هم بودند که از کیهان حمایت می‌کردند. واکنش‌ها به تیتر و عکس کیهان با هشتگ کیهان نوشته می‌شد: «با این تفاسیر الآن اونی که رفته کربلا نمیتونه بره استادیوم؟ یا اونی که رفته ورزشگاه قربانی آزادی محسوب میشه و نمیتونه پیاده بره کربلا؟ با این مدل تفاسیر تکلیف اون خانمی که تو ورزشگاه دعا میخوند چیه؟ با چه خط‌کشی متر میکنی آقای کیهان؟!»، «از نظر من مشکل این نیست که چرا کیهان می‌تونه هرچی دلش میخواد بنویسه، مشکل اینه که چرا بقیه نمی‌تونند هرچی می‌خوان بنویسند!»، «از این دوقطبی‌سازی کی سود می‌بره آقای کیهان مگه بارها رهبر انقلاب و حاج قاسم نگفتن اون‌ها هم مانند فرزند ما هستند؟ چه خلاف شرعی مگه رخ میده؟!»، «یکی از دوستان بعد از حضور در ورزشگاه آزادی، شب گذشته تماس گرفت و خداحافظی کرد که راهی عراق بشه. امروز ناخواسته تیتر کیهان رو دیدم»، «خارِ تو گلو دردش از سیلی دشمن بیشتره!»، «توهین‌هایی که بعضی اکانت‌های ظاهراً انقلابی به روزنامه کیهان میکنن طوریه که اگه در مورد یک روزنامه لیبرال گفته میشد، «اخلاق مدارا»های تایم‌لاین تذکر میدادن که‌ای وااای اخلاق به باد رفت. کاش جوگیر نشیم و حد و اندازه نگه داریم.»، «خب کیهان و آقای حسین شریعتمداری! شما که اینقدر مرزبندی بلدید، بفرمایید من که ۵ شنبه ورزشگاه رفتم و پیگیر سفر اربعین هستم، در کدام دسته جای می‌گیرم؟»».

کیهان کلهر و لغو کنسرت

ماجرا

حمله ترکیه به کردهای سوریه در این روزها بازتاب زیادی داشته و کاربران زیادی درباره‌اش می‌نویسند و عکس‌های کسانی را که در این حمله‌ها آسیب می‌بینند منتشر می‌کنند. در یکی دو روز گذشته عکس‌هایی از آوارگی خانواده‌های کرد و زخمی شدن کودکان و غیرنظامی‌ها خیلی‌ها را متأثر کرده و البته خیلی‌ها هم از این می‌نویسند که انتشار این عکس‌های تلخ درست نیست. دو مسأله درباره حمله ترکیه به کردهای شمال سوریه از جمعه شب مورد توجه کاربران شبکه‌های اجتماعی قرار گرفته است. ابتدا کیهان کلهر که گفت کنسرتش در استانبول را برای احترام به رنجی که کردها از حمله ترکیه به شمال سوریه می‌برند، لغو کرده است.

پس از این کار عکسی که از حمایت بازیکنان تیم ملی ترکیه از حمله ارتش این کشور به کردها منتشر شد بازتاب داشت. عکسی که در آن بازیکنان این تیم در زمین فوتبال سلام نظامی داده‌اند. بخشی از واکنش‌های کاربران به این ماجراها را بخوانید: «از هنرمندی که سازش را با حال مردمش کوک کند، غیر از این انتظار نبود.»، «کیهان کلهر و در سمت مردم ماندن و کنش‌اش را باید قدر دانست»، «کیهان کلهر نه تنها به عنوان هنرمند مسئول، نسبت به فاجعه حمله ترکیه به کردهای سوریه بی‌تفاوت نبود، بلکه جزو افرادی بود که مشخصاً به کودکان کرد اشاره کرد که قربانیان آسیب‌پذیرتر بی‌شرمی سیاسی و بی‌رحمی قدرت‌ها شده‌اند»، «از سودده‌ی برگزاری کنسرت هنرمندانی در سطح کیهان کلهر آگاهیم، خوب می‌دونیم چشمپوشی رو بُعد مالی تصمیماتی اینچنین چقدر کار شجاعانه و سختی است.»«کثیف‌ترین عکس تاریخ فوتبال جهان؛ بازیکنان تیم ملی ترکیه در حمایت از حمله به کردهای سوریه».